

دولت توسعه‌گرا است اشاره می‌شود؛ در بخش دوم، ساختار درونی دولت با توجه به ایدئولوژی نخبگان و دیوان‌سالاری بررسی می‌شود؛ در بخش‌های سوم و چهارم نیز سیاست‌های صنعتی و تجاری و همچنین استفاده از منابع مالی به‌منظور تحقق اهداف صنعتی مورد توجه قرار می‌گیرد و در بخش پنجم به دیپلماسی انرژی کشور اشاره می‌شود. در نهایت، در نتیجه‌گیری نیز یک ارزیابی نهایی از وضعیت فعلی اقتصاد سیاسی کشور و راهکارهایی برای تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی ارائه می‌شود.

۱. چهارچوب مفهومی

اهمیت سیاست خارجی و به‌ویژه دیپلماسی اقتصادی در امر توسعه بر کسی پوشیده نیست و به همین دلیل کشورها سعی دارند با استفاده از آن، از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای منافع خودشان استفاده کنند. از آنجایی که مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی برای کشورهای درحال توسعه، تسهیل فضای کسب‌وکار تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توریسم، دستیابی به تکنولوژی و بهبود تصویر کشور است (رستمی و نمایان، ۱۳۹۸: ۶۹). اتخاذ نوعی از سیاست خارجی که بتواند از منابع بیرونی به‌منظور تقویت اقتصاد ملی استفاده کند، مهم است. در این پژوهش برای بررسی موضوع مدنظر، سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا مورد توجه قرار می‌گیرد. این نوع از سیاست خارجی نقش مهمی در فعال کردن ظرفیت‌های داخلی و بیرونی به نفع توسعه اقتصادی کشور دارد. سیاست خارجی توسعه‌گرا، جهت‌گیری عمل‌گرایانه و منطقی دارد و به‌دنبال کنش‌های تعاملی، رقابتی و کم‌هزینه، در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی است (ابوطالبی، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۶). الگوی رفتاری کشورها در این نوع از سیاست خارجی مبتنی بر رقابت و همکاری و ماهیت برون‌گرایانه آن است. سیاست خارجی توسعه‌گرا سعی دارد از منابع، امکانات و فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور پیشبرد اهداف توسعه‌ای خود استفاده کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۶۶). ابزار سیاست خارجی توسعه‌گرا برای تعقیب اهداف و منافع ملی، همان دیپلماسی اقتصادی است. تنش‌زدایی، اعتمادسازی، چندجانبه‌گرایی و